

نقش دگرگونی های تاریخی ساختار اجتماعی شهر شوشتر در تکامل کالبدی آن

حمید اسدپور^۱

فضل الله فولادی پور^۲

مسعود ولی عرب^۳

چکیده

شوشتر بعد از ورود تازیان مسلمان، جایگاه خود را به عنوان مرکز ایالت (استان، کوره، خوره) خوزستان، حفظ کرد. در زمان فتوحات اسلامی، شوشتر به عنوان کانون مقاومت ایرانیان در برابر یورش تازیان مسلمان، محسوب می شد، که به دلیل وجود شرایط جغرافیایی و استحکامات نظامی و داشتن قلعه (دژ) سَلَسِل (نام باستانی این قلعه در دوره اسلامی، فراموش شده است) و خندق ها و حصار های فراوان و همچنین دلاوری و جنگاوری فرمانده سپاه شوشتر، هرمان، پس از حدود دو سال، فتح شد. براء بن مالک انصاری ابتدا فرماندهی سپاه اسلام را برعهده داشت و بعد از کشته شدن او، ابوموسی اشعری، خود، فرماندهی تازیان مسلمان را برعهده گرفت.

پرسش این پژوهش این است که دگرگونی های ساختاری و جمعیتی چه تاثیری بر کالبد شهری شوشتر در دوره اسلامی گذاشته است؟ در این پژوهش بدین پرسش چنین پاسخ داده می شود که شوشتر از پادگانی با جمعیت یکدست نظامی در دوره اشکانی و ساسانی به شهری تولیدی و بازاری و مهاجر پذیر در دوران ایران بعد از اسلام تغییر یافته است.

کلیدواژگان: شوشتر، مرکزیت خوزستان، توسعه شهری، محلات، مسجد جامع.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر

۲ عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام از دانشگاه خلیج فارس بوشهر. (نویسنده مسئول)

مقدمه

در کار تاریخ، شناخت روش و هدف اهمیت خاصی دارد. تاریخ بی شک روایات یا مقایسه آن ها و شناخت واقعیت حوادث گذشته نیست، و رای این کار، نظر به توجیه و تفسیر این واقعیات دارد که بین جزییات رابطه برقرار می کند و آنها را به یکدیگر پیوند می دهد. مصالح و موادی را که مورخ برای این بازسازی گذشته به کار می برد البته از مدارک و اسناد پراکنده بی که از دستبرد زمان در امان مانده است به دست می آورد اما وی البته تمام مصالح و متد گذشته را نمی تواند در این بازسازی خویش به کار برد و خواه ناخواه قسمتی از آن را کنار می گذارد (زرین کوب، ۱۳۸۶:

۱۳۸)

در همه دوران ها، اشتغال به تاریخ محلی یکی از راه های مطلوب بیان ادبی و آگاهی گروهی بوده است. تمامی گروه های مختلف مردمی که در قلمرو اسلام سکونت داشتند، وابستگی و تعلق توانمندی را میان انسان و محل تولدش، پل و پیوندی ایجاد می کند، احساس کرده بودند و بیان می داشتند. بخش زیادی از نخستین تواریخ محلی اسلامی از ملاحظات دینی - فقهی نشأت گرفت. تاریخ نگاری محلی، آزادی عمل گسترده ای در اختیار تاریخ نگار می گذارد و تنوع شکلی و محتوایی بیشتری از تاریخ نگاری وقایع نگاشتی عرضه می دارد. (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۷۳)

تقسیم بندی تاریخ، به تاریخ محلی و ملی چیزی بیشتر از یک تفاوت جغرافیایی یا معنایی است. ظهور تاریخ محلی (منطقه ای) به عنوان یک زمینه ی مطالعه ی قابل قبول و مورد توجه، نشانگر گرایش به فاصله گرفتن از تاکید بر چشم انداز ملی و تمرکز گرایی زیاد است. معنای محلی یا منطقه ای در این تحقیق چیست؟

برای بوم شناسان و جغرافی دانان محیط زیست، اصطلاح محلی معمولاً به عنوان یک اصطلاح در مقابل کلمه جهانی به کار می رود. برای مورخان اصطلاح محلی یا منطقه ای اغلب در شکل سنتی آن برای تفکیک مسائل ملی یا بین المللی است. (بلک؛ رابلد، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

الگوی شهری سازمان اجتماعی - اقتصادی شهر شوشتر

شوشتر، که در شمال استان خوزستان قرار دارد از شهرهای کهن و با سابقه ایران است، آثار باستانی و اشیای قدیمی مکشوفه که از نواحی مختلف شوشتر، همچون فدَلک (Fedelak)، گَلالک (Gelalak)، دَسْتُووا (Dastooova) و عَسکر مُکَرَم (Askar Mokram)، (رُسْتَبَاد - رُسْتَم کواذ) (Rost Qobad - Rostam Kovaz) و گتوند و عقیلی ... پیدا شده اند نشانده جایگاه بسیار مهم شوشتر در دوران باستان دارد.

شوشتر یکی از شهرهای تاریخی و کهن ایران زمین است که مطابق الگوهایی که ماکس وبر در پیوند با شکوفایی شهرها ارائه می دهد رشد و شکوفایی تاریخی آن، نتیجه تلفیق دو عنصر بازار و دژ بوده است. (وبر، ۱۳۹۰: ۷۰). شوشتر و بازار آن به همراه دژ اصلی شهر شوشتر که کانون اصلی تشکیل و

گسترش شهر شوشتر بوده اند، نمونه بارزی از یک شهر ایرانی و اسلامی است. دژ شوشتر با نام معروف سلاسل، کارکردی سیاسی و نظامی داشته است اما بازار شوشتر به عنوان رکن اصلی اقتصاد و اجتماع شوشتر، دو نقش مهم در جهت گسترش و شکوفایی تاریخی ایفا کرده است: نخست نقش اقتصادی، دوم نقش اجتماعی و سیاسی. بازار شوشتر هم مکانی برای مبادله کالا و مبادلات اقتصادی است. همچنین مکانی برای شکل گیری مناسبات اجتماعی و سیاسی بوده است. دژ شوشتر که در مجاورت آن قرار داشت مکانی برای اهل سیاست و رزم این شهر بود. به این معنا که دژ شوشتر همواره محل زندگی حاکم و مکان اداری و سیاسی اصل شهر بود و مناسبات حکومتی و سیاسی در آن شکل می گرفت.

عناصر شهری در پهنه مدینه و ربض (حومه)

۱-مدینه: اسمی عربی برای سکونت گاه شهری است. بدین ترتیب که: الف- امصار: شهر بزرگ بود. ب- قصبات: مراکز ایالتی بود. ج- مدن: جمع مدینه شهر های ایالتی، شهر اصلی یک منطقه با یک بازار- شهر بود. د)قراء: جمع قریه، روستا.

شوشتر در صدر اسلام تا اواسط دوره قاجاریه یکی از شهرهای بزرگ و جامع خوزستان محسوب می شده است و دارای بخش اصلی و مرکزی و روستاها و شهرهای پیرامونی بوده است.(تحقیقات میدانی نویسندگان)

شهر تاریخی «دستوا» در منطقه شوشتر

شهر شوشتر به علت قرارگرفتن در میان دو شاخه (شعبه) رود کارون و وجود سدهای طبیعی و صخره های بزرگی در مسیر این رودخانه همانند بند ماهی بازان، امکانات مناسبی را برای اقوام مستقر در این ناحیه فراهم آورده است. مکان قدیمی شهر دستوا (دستوا، دست آباد، دشت آباد- دشت وآ- دشتوا) در سه کیلومتری جنوب شرقی شوشتر(منطقه شیلیلی) در اراضی معروف به بند ماهی بازان است. این شهر شامل آثاری از دوره‌ی، ایلام نو، الیمایید، پارت و ساسانی است. صاحب قاموس در ماده د.س.ت می نویسد: «دست به معنی دشت و دست از جامه و کاغذ و صدرخانه معروف است و همه معرب است و دستوا به مد و الف، دهی است در خوزستان که در نسبت به آن دستوائی و دستوانی گویند.» یاقوت می نویسد: «سمعانی گفته دستوا شهری است به خوزستان و جمعی از علما بدان منسوب اند و تیاب دستوائی را به آن نسبت دهند.» از سخنان دو نویسنده مزبور ظاهر می شود که دستوا شهرکی در خوزستان بوده است نهایت آن که محل آن را تعیین نکرده اند. محققاً کلمه دستوا معرب دشت آباد است به قاعده آن که در شوشتر حسام آباد را حسمووا و مهدی آباد را مهدیوا و عشرت آباد را عشتوا گویند. (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۳۳-۱۲۷؛ همدانی، ۱۳۵۸: ۱۶۴) یاقوت تصریح می کند که رستقباد در زمین دستوا است.(حموی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۶۴)

« تصویر شماره ۱: دستووا در منطقه گِلاک شوشتر »



رشیدالدین فضل الله همدانی در ابتدای قرن هشتم هجری درباره دستووا می نویسد « پنج قطعه زمین وسیع که در ولایت دستاباد (دستووا- دستوا) واقع است و از املاک بما منتقل شده و معروف به محوطات جلالی است...» رشیدالدین در اینجا، از ولایت دستاباد (دستووا) نام برده است اما، در جای دیگری از نامه هایش از صحرای دستبَاد نام می برد. (همدانی، ۱۳۵۸: ۱۶۴-۱۶۱) بر ما آشکار می شود که در زمان خواجه فضل الله همدانی، دستووا هم بر ولایتی اطلاق می شده و هم نام صحرای وسیعی بوده است .

شهر تاریخی «عسکر مکرم» در منطقه شوشتر

در جاده شوشتر- اهواز، نزدیک پل بند قیر، در سمت چپ روستای جلیعه، منطقه‌ای است که آن را، همان شهر تاریخی «عسکر مکرم» دانسته‌اند.

وجه تسمیه «عسکر مکرم» را چنین نگاشته‌اند: « حجاج بن یوسف ثقفی خدمتگزاری داشت به نام «مکرم»، چون او با سپاهیان حجاج بن یوسف ثقفی وارد این مکان شد مردم همه به جانب او آمدند ساختمان ها ساختند از آن به بعد «عسکر مکرم» نام گرفت.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۱۲) «عسکر مکرم پیش از این روستایی بیش نبود تا اینکه مکرم پسر الفرز الباهلی آن را به صورت شهری در آورد.» فاصله «عسکر مکرم» را تا «تستر (شوشتر)» هشت فرسخ دانسته‌اند. (دمشقی انصاری، همان منبع، ص ۲۸۱؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۶۴) مؤلف حدود العالم در قرن چهارم هجری می‌نویسد: «عسکر مکرم» بین دو رودخانه قرار دارد.» (ناشناس، ۱۴۲۳: ۶۰) از «عسکر مکرم» مقنعه‌های ابریشمی به بغداد پایتخت خلافت عباسی می‌برده‌اند.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۲۲) ابن عبدربه در قرن چهارم هجری «از پارچه‌های عسکریه و دستوانیه که در نزدیکی شوشتر تولید می‌شده‌اند و شهرت زیادی داشته‌اند.» (ابن عبد ربه، بی تا: ۷/ ۲۸۰) نام می‌برد. یاقوت حموی به نقل از حمزه اصفهانی درباره رستم کواذ نگاشته است که: «رستقباد» معرب «رستم کواذ» (رستم قباد، رستاکواذ)

است و آن شهری متمدن در خوزستان بوده، که در صدر اسلام (به دلائل نامعلوم) خراب شد و به سبب حضور غلام یوسف ثقفی مکرّم بن معزّاء (مفراء) الحارث در این مکان، که به جنگ خوارج آمده بود «عسکر مکرّم» نامیده شد. (حموی، ۱۳۸۳: ۴/ ۱۲۴-۱۲۳) طبری در قرن چهارم هجری، در بیان حوادث سال هشتاد و یک هجری می‌نویسد: «حجاج بن یوسف ثقفی با سپاه خویش به جانب شوشتر آمد در رستقباد (رستم کواد) جا گرفت که از توابع دستووا بود و عبدالرحمن بن محمد بن اشعث به شوشتر جا گرفت و میان حجاج و ابن اشعث رودی فاصله بود.» (طبری، ۱۳۷۵: ۳۶۸۶/۸)

۲- **قلعه**: اساساً قلعه ای است که در عین حال که به شهر دارای ضمیمه است. با استقلال کامل به مقاومت خویش، حتی پس از سقوط شهر ادامه می‌دهد و یا به عنوان پناهنگاهی برای حاکم (فرماندار) در مقابله با مردمی که علیه امیر شورش کرده اند مورد استفاده قرار می‌گیرد. (حکیم، ۱۳۸۰: ۱۷۵-۱۶۵)

«تصویر شماره ۲: قلعه سلاسل»



در این باره می‌توان اشاره نمود. «شمالی ترین در نقطه شوشتر، قلعه سلاسل - منطقه دولتی نشین- قرار داشت. این ارگ محصور شامل قصر حاکم، زرادخانه، پادگان و میدان سان بود. قلعه در حکم یک شهر خود کفا در درون شهر بود و با منابع آب خود می‌توانست در مقابل قیام اهالی شهر مقاومت کند. ارگ بر یک بلندی مشرف بر شهر بنا شده بود.» (انصاری، ۱۳۸۴: ۴۴) مادام دیولافوا که به همراه شوهرش، مارسل دیولافوا مهندس و باستان شناس فرانسوی در زمان ناصرالدین شاه قاجار، از راه ترکیه و قفقاز به ایران آمده و به خوزستان سفر کرده بودند در سفرنامه خویش درباره شوشتر می‌نویسد: «پس از چهار ساعت راه پیمایی از دهکده شاه آباد (که در محل خرابه های جندی شاپور بین شوشتر و دزفول بنا شده) به قله کوهی رسیدیم و از یک دروازه طبیعی که در

کوهستان تشکیل یافته بود عبور کردیم. طولی نکشید که منظره شهر شوشتر از دور در افق نمایان گردید. این شهر در کنار رود کارون واقع شده است و پلی هم دارد که در زمان سلطنت ساسانیان ساخته شده است. چون نزدیک تر شدیم، گنبدهای مینایی رنگ و بام های مخروطی شکل امامزاده ها و مناره سرشکسته مسجد جامع نمایان گردید و بالاخره قلعه قدیمی سلاسل هم که در طرف چپ سر برافراشته بود نمایان شد.» (دیولافوا، بی نا: ۶۵۲؛ نیرومند، ۱۳۸۴: ۳)

۳- **ربض**: این واژه به مناطقی از شهر که در خارج از بخش مرکزی قرار دارند اطلاق می شود. همچنین مناطق بلافصل شهر را مد نظر دارد. ابن بطوطه در قرن هشتم می نویسد که آرامگاه امام زاده عبدالله شوشتر خارج از منطقه اصلی شهر بوده است.

۴- **سور**: دیوار شهر یا استحکامات پیرامون شهر یا اهداف دفاعی که از سه جزء تشکیل می شد. الف) دیوار اصلی: که دارای ارتفاع ۶ متر و عرض ۲ متر می بود. ب) دروازه (باب) که در مسیر خیابان های اصلی قرار گرفته بود. ج) برج های دفاعی که از نظر سوق الجیشی در دیوار و مسلط بر راه های ورودی و زمین های اطراف بود. بقایای دیوار استحکامی شوشتر هنوز قابل مشاهده است و به «بندخاک» معروف است. (تحقیقات میدانی نویسندگان)

۵- دروازه های شهر

۶- **برج**: تاسیسات مرتفع و دارای استحکاماتی هستند که از منظر سوق الجیشی در امتداد حصار اسقرار یافته و بخشی از سازمان دفاع را تشکیل می دهند.

۷- **شارع**: مترداف خیابان است.

۸- **بطحاء**: میدان عمومی یا مکان عمومی را می گفتند.

۹- **مصلی**: مکانی که در آن نماز برگزار می شده است.

۱۰- **مقبره**: این واژه مترادف آرامستان (قبرستان) است.

آرامگاه ها، قدمگاه ها، و مقام های شوشتر: آرامگاه امامزاده عبدالله، آرامگاه براء بن مالک انصاری، آرامگاه عبدالله بانو، آرامگاه سید محمدگلایی «گیاه خوار- گلووی»، آرامگاه سید محمد بازار، آرامگاه سید محمد شاه (مرعشی)، آرامگاه سید محمد ماهرو، آرامگاه سید ناصرالدین ... می توان اشاره نمود. (تحقیقات میدانی نویسندگان)

آرامگاه امامزاده عبدالله شوشتر

آرامگاه امامزاده عبدالله شوشتر از قسمت های مختلفی تشکیل شده است که در گذر زمان، به ویژه از اواخر دوره صفویه و قاجاریه تاکنون تغییرات بسیاری در آن صورت گرفته است. یکی از مهم ترین کتیبه های موجود در این بنا، که نشانگر زمان ساخت و بانی آن است، بر سر در ورودی اطاق آرامگاه (محل قرارگرفتن ضریح) به صورت تزیینات گچ بری شده ی زیبایی قرار دارد این کتیبه به خط کوفی نوشته شده است.

«تصویر شماره ۳: نمای درب ورودی امامزاده عبدالله شوشتر»



متن کامل این کتیبه به شرح زیر است: «بسم الله الرحمن الرحيم / هذا ما امر بعمارته العبد المذنب /... الى رحمه الله بهنام / (النبوع؟) المتنصرى فى ايام سيدنا و مولانا / الامام الممترض الطاعه على كاهه الانام عبد / الله خليفته و وارث نبیه و محى شریعتہ / ابى جعفر المنصور المستنصر بالله. « براساس این کتیبه، اتمام بنای آرامگاه امامزاده عبدالله شوشتر در سال ۶۲۹ ه.ق توسط شخصی به نام بهنام المتنصری بوده است (قوچانی، ۱۳۸۲: ۶) بهنام در واقع حاکم شهر شوشتر در زمان اتمام ساخت این بنا بوده است. این فوطی در کتاب خویش اشاره می‌کند مظفرالدین بهنام الرومی الناصری حاکم شوشتر در سال ۶۳۱ ه.ق از حکومت شوشتر برکنار شد و به بغداد فرا خوانده شد.

ورودی اصلی این آرامگاه دارای کتیبه‌هایی متعدد مربوط به دوره‌های صفویه و قاجاریه است. از کتیبه‌های دوره صفویه تنها قسمتی که بالای سر در ورودی قرار دارد به جا مانده است. به نظر می‌آید که این کتیبه تماماً به صورت افقی بوده و در سرتاسر جبهه ورودی قرار داشته است و بعد از توسعه ی بقعه و افزودن بناهایی در سمت راست و چپ در ورودی، دو طرف کتیبه یا از بین رفته و یا اکنون در پشت آن دو قسمت قرار دارد، که امکان دسترسی به آن به هیچ وجه ممکن نیست. متن کتیبه سر در ورودی آرامگاه چنین است:

«... النبوه و آله... الحیدریه الشهب؟ و الفاطمیه... الحسنیه... الحسینیه و العباد السجادیه و المآثر الباقریه و الآثار الجعفریه و العلوم الکاظمیه و الحج الرضویه و الشرع المحمدیه و القضاوه العلویه و الهیبه العسکریه و القائم و بالحق الداعی الی...» دور تا دور ضریح اشعار فارسی به اضافه نام ناصرالدین شاه و نام سازنده ضریح روی فلز به خط نستعلیق نوشته شده است متن این کتیبه چنین است: «در عهد دولت السلطان ناصرالدین شاه قاجار که توفیق رفیق حاجی کرملعی گردیده بسر کاری حاجی ابوالحسن سنه ۱۲۷۶ ه.ق صورت اتمام یافت.» (قوچانی، ۱۳۸۲: ۷)

۱۱-خزان: به تسهیلاتی برای ذخیره سازی آب اشاره دارد که هم می توانست مصارف خصوصی و یا عمومی داشته باشد.

خندق: گودال پیرامون دیوار شهر را شامل می شد. خندق شوشتر در کنار « بند خاک» قرار داشته است.

۱۲-محلّه: آخرین عنصر شهری در پهنه فراگیر شهر ، محلّه است مکانی که مردمی با پیشینه قومی یا اجتماعی - فرهنگی ، قبیله مشترک را در خود جای داده است. (حکیم ، ۱۸۶- ۱۸۵- ۱۸۰- ۱۷۹- ۱۷۸)

محلات شوشتر

از دوره شاه عباس صفوی (۱۰۳۸- ۹۹۶ ه ق) که رسم حیدری نعمتی در بلاد ایران رواج پیدا کرد شوشتر نیز به دو محلّه تقسیم شد: ۱- محلّه دستووا (دستوا) (موگهی) ۲- محلّه گرگر (کهواز) و هر یک از این دو محلّه مشتمل بر محلات کوچک تر می شد.

«تصویر شماره ۴ : محلات قدیم شوشتر»



۱-محلّه دستووا

که نعمتی خانه اش نیز می نامیدند شامل محلات کوچکتری می شد که عبارت از الف) موگهی ب) سید صالح ت) دکان شمس ث) سید محمد شاه ج) میدان شیخ د) دکان سید ع) سادات و) کاکا عیدی ه) کیزه بناران (کوزه گران)

بومیان شوشتر به عنوان عنصر تداوم در تاریخ اجتماعی شوشتر

شوشتری ها

شوشتری ها همانند سایر مردم شهرهای باستانی در اثر قدمت نژادی، اصالتی تمام دارند و افرادی قانع، بردبار، رنجبر، بسیار مذهبی و پایبند به آداب و رسوم موروثی خویش می باشند. آیین های

دیرین در بسیاری از خانواده‌های شوشتری هنوز پابرجاست. (نیرومند، ۱۳۸۴: ۳۲) شوشتر از سده‌های نخستین اسلام به دارالمومنین مشهور بوده است.

۱) خاندان شرف الدین

از خاندان‌های مشهور شوشتر، می‌توان به خاندان شرف الدین شوشتری، اشاره نمود که ابن بطوطه در قرن هشتم هجری به حضور این خاندان در شوشتر اشاره می‌کند. این خاندان در محله زینبیه کلانتر زندگی می‌کنند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۳۸-۲۳۷) بیشتر در محله دلدل ساکن بوده اند.

۲) سادات تلغری (تلغری)

سادات تلغری شوشتر به سید عبدالله فرزند امام موسی کاضم (ع) نسب می‌برند و اسلاف این سلسله همگی از معارف اهل معرفت و حقیقت بوده‌اند و سید احمد ملقب به شیخ تلغری از نجف اشرف به شوشتر آمده و اراضی عقلی را از مالکان شرعی خریداری نمود. ایشان پیش از آمدن سادات مرعشی به شوشتر از محتشمین آن دیار بوده‌اند احتمالاً سادات قیری شوشتر از بازماندگان سادات تلغری هستند. این خاندان در منطقه بازار شوشتر مسجدی داشته اند. و بزرگان و مشایخ این قوم در شوشتر فراوان هستند. (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۷)

در منطقه بازار شوشتر مسجدی به نام قیری وجود دارد که نشان از قدرت اقتصادی سادات قیری داشته است.

۳- سادات جزایری

سادات جزایری، «نوادگان سید نعمت الله جزایری هستند که ایشان به «سادات نوریه» معروف هستند. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۹۶) این سادات در محله مسجد جامع اقامت داشته اند.

۴- سادات کلانتر

که بازماندگان، سید رشید الدین دزفولی هستند که از دزفول به شوشتر آمده و خانه و املاک بساخت. او خوش نویس بود (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۸) این سادات در منطقه موگهی حضور داشته اند و ریاست نعمت خانه را بر عهده داشته اند. (تحقیقات میدانی نویسندگان)

۴- خاندان افضل شوشتری

این خاندان در منطقه سنگ فروش حضور داشته اند و از بازرگان شوشتر بوده اند امروزه سرای افضل، حمام افضل، خانه افضل به یادگار مانده اند. (تحقیقات میدانی نویسندگان) محل استقرار ایشان در محله سنگ فرش بوده است.

«تصویر شماره ۵ : سرای افضل در شوشتر»



۲- محله کهواز

که حیدری خانه اش نیز می‌نامیده‌اند شامل محلات کوچکتری می‌شد عبارت از الف) عبونو (عبدالله بانو) ب) شاهزید ت) سید قاسم ث) کوی اشکفتی ج) قبلی (رو به قبله، به طرف قبله) د) طراحى ع) دروازه (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۹۹؛ شوشتری، ۱۳۶۳: ۵۹-۵۸)

قاضی نورالله مرعشی شوشتری در مجالس المؤمنین و فرزند ایشان علاء الملک مرعشی شوشتری در فردوس در تاریخ شوشتر، به برخی از محلات شوشتر اشاره می‌کنند که کاملاً مشخص نیست جزء کدام دسته از محلات شوشتر (حیدری نعمتی) بوده‌اند. (قاضی شوشتری، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۲؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۵۲: ۱۱-۵)

۱) سادات مرعشی

سادات مرعشی شوشتر: «که نوادگان سید محمد شاه بن مبارزالدین بن جمال الدین بن حسین بن میر نجم الدین محمود هستند و میر نجم الدین از آمل به شوشتر آمد.» (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۰)

مشهورترین شخصیت این خاندان، قاضی نورالله مرعشی شوشتری است که در سال ۱۰۱۹ ه.ق. در هندوستان به شهادت رسید. این خاندان در محله عبدالله بانو و محله در عباس (قدمگاه حضرت عباس) ساکن بوده‌اند. این خاندان ریاست محله حیدرخانه را بر عهده داشته‌اند. محله عبدالله بانو و در عباس کانون استقرار مرعشیان بوده است.

۲- خاندان شیخ شوشتری

این خاندان در محله پل خراطان شوشتر ساکن بوده اند و از بزرگان این خاندان شیخ جفر شوشتری و شیخ محمد تقی شیخ شوشتری بوده اند. (تحقیقات میدانی نویسندگان). محل پل خراطون و بعدها کوی سید قاسم محل استقرار خاندان شیخ شوشتری بوده است.

۳- خاندان سلطان علی شوشتری

این خاندان در محله اشکفتی حضور داشته اند و از بازرگان مشهور شوشتر بوده اند و شرکت تجاری در هندوستان داشته اند. (تحقیقات میدانی نویسندگان)

محله صائبه شوشتر

از نوشته‌های میر عبداللطیف چنین نتیجه می‌گیریم که در شوشتر، بین محله «میدان شیخ» و «دکان شمس»، « بند برج عیار » بوده است که در اطراف آن صائبه زندگی می‌کردند. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۶۳)

مهاجران به عنوان عناصر تحولات در تاریخ اجتماعی شوشتر

۱- ترک ها (خاندان افشار، کانون استقرار در محله بلیتی شوشتر)

در زمان صفویان، افشارها در خوزستان، بسیار فراوان بودند و چندان ترسی از پادشاهان صفوی نداشتند و از صفویان، چندان پیروی و پشتیبانی نمی‌کردند. (کسروی، ۱۳۵۶: ۵۷؛ امام اهواری، ۱۳۷۹: ۳۳۳) تنها طایفه افشار که تاکنون در خوزستان بازمانده طایفه گندزلو است که تیره معروفی از ایل افشار بوده و اکنون در شهر شوشتر و نزدیکی‌های آن، ساکن هستند.

۲- گرجی‌ها (کانون استقرار در محله قلعه سلاسل) در فرهنگ عامه شوشتر، ایشان (بستگان

خاندان واخشتوخان، واخوستی خان) به زیبایی مشهور، و محل سکونت آنان در نزدیکی قلعه سلاسل شوشتر از مشهورترین گرجی‌های شوشتر خاندان واخوستی خان بودند که از غلامان خاصه شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸.ق) به شمار می‌آمدند و به مقام بیگلربیگی رسیدند. (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۴۷؛ حسینی القمی، ۱۳۸۳: ۱/۳۵۰) در فرهنگ عامه شوشتر، این خاندان به زیبایی مشهور و محل سکونت آنان در نزدیکی قلعه سلاسل شوشتر بوده است:

سیت میارم سیت میارم چارکی از گوشت بره

دختر خوبی دهامت از محله قلّه

(برایت می آورم برایت می آورم قسمتی از گوشت بره دختر خوبی برای ازدواجت از محله قلعه

برایت میگ یرم) (تحقیقات میدانی نویسندگان)

« تصویر شماره ۶ : ورودی بازسازی شده مسجد میرشکار در شوشتر که توسط گرجی تباری به نام اسفندیار بیگ میرشکار وقف عام گردیده است.»



«تصویر شماره ۷ : دیوار بیرونی قبرستان خانوادگی گرجی ها در شوشتر نزدیک مسجد میرشکار»



۳-بختیاری ها (کانون استقرار در محله موگهی، تخت قیصر، صاحب الزمان) و روستاهای اطراف شوشتر همچون مهدی آباد، حسام آباد، سردار آباد، و...

الف) چهارلنگ بختیاری

«طوایف چهارلنگ» بیشتر در اطراف دزفول، بخش سردشت و پیرامون لالی هستند. در شوشتر نیز «طوایف چهارلنگ» زندگی می کنند.

ب) هفت لنگ

عشایر هفت لنگ بختیاری استان چهارمحال و بختیاری همه ساله به قشلاق خود در خوزستان کوچ می کنند که پیرامون شوشتر، آب گنجی از جمله محل های اسکان آنان هستند. (افشار سیستانی، بی

تا: ۶۹۴ / ۲

۴- اعراب(کانون استقرار در محله شهرک اندیشه، روستاهای اطراف شوشتر همچون عرب حسن، عرب اسد، ولی آباد و...)

الف) آل کثیر

طایفه آل کثیر در میان رود کرخه و رودخانه دز (دزفول) و در پیرامون شوشتر جا داشتند. (جزایری، ۱۳۸۸ : ۱۸۴-۱۸۳-۱۸۲ ؛ کسروی، ۱۳۸۹ : ۱۳۸-۱۳۷-۱۳۶-۱۳۵ ؛ امام اهوازی، ۱۳۷۹ : ۴۰۹-۴۰۸-۴۰۷-۴۰۶) این عشیره دشمن دیرین خاندان مشعشی بود که گاهی به تنهایی و گاهی به همدستی خاندان آل سلطان به جنگ و پیکار با مشعشعیان می پرداختند.

ب) بنی کعب

مردم طایفه «بنی کعب» در شادگان، آبادان، هندیجان، شوشتر و شوش حضور دارند. طایفه بین خفاجه از دو تیره «بنی کعب» و «بنی حزن» شکل گرفته بودند. بنی کعب (آل کعب) به چند طایفه کوچک تر تقسیم می شود که «آلبوغیش»، «خنافره»، «عساکره»، «مجمد» شامل این تقسیم بندی می شوند. (افشار سیستانی، ... : ۶۴۶-۶۵۲ / ۲)

ج) بنی طرف

عشایر «بنی طرف» در شوشتر، شوش، اهواز، خرمشهر، ماهشهر، دشت آزادگان پراکنده اند «بنی طرفها» از سرزمین یمن به ایران آمده اند. یکی از بزرگان «بنی طرف»، حاتم طایی است که در میهمان نوازی، شعر و ادب و دلیری معروف بود. «بنی طرف» به دو دسته ی بزرگ «بنی سعید» و «بنی صیاح» تقسیم شده اند. (افشار سیستانی، ۱۳۷۳ : ۶۴۶-۶۵۲ / ۲)

درگیری های محله ای و محلی در شوشتر

علاوه بر مسجد جامع، حدود ۶۵ مکان مذهبی دیگر مثل امامزاده و قدمگاه در سراسر شهر پراکنده بود. منطقه بازار در نزدیک دو میدان بزرگ مجاور هم قرار داشت که هر کدام حدود هفتصد متر مربع وسعت داشتند. همه مغازه ها در منطقه بازار قرار گرفته بودند. روی هم رفته حدود دویست باب مغازه و دو باب کاروانسرا در این ناحیه وجود داشت که یکی از آن ها در حال ویران شدن بود. منطقه مسکونی به دو محله به نام های دستوا و گرگر تقسیم می شد. این محله ها شامل ۱۶ ناحیه بودند. هر محله توسط یک نفر به نام رئیس اداره می شد که وی نیز به نوبه خود برای هر یک از نواحی تحت نظارت خود رئیس تعیین می کرد. (انصاری، ۱۳۸۴ : ۴۵)

ناآرامی های متعدد شهری به صورت گوناگون رخ می داد. این ناآرامی ها اغلب تجلی ناراضیاتی عمومی از مقام های ایالتی بر سر مسائلی همچون مالیات اضافی، قیمت بسیار زیاد مواد غذایی، کمبود نان، حکام و والیان منفور و... بود. (فوران، ۱۳۸۸ : ۲۳۸) «قاجارها با حفظ توازن ظریف و تحریک ماهرانه تعصبات قومی، امنیت خود را تامین می کردند». آنها در اغلب مناطق می توانستند با ایجاد تفرقه داخلی یا برانگیختن رقبای موجود، مخالفان را سرکوب کنند. (آبراهامیان، ۱۳۸۸ : ۴۰-

۳۹) در این دوره شهرها به محله‌هایی تقسیم می‌شدند که هرکدام یک کدخدا (خان) داشتند. او نماینده محله در ارتباطات با دنیای خارج - به ویژه محلات همجوار و دولت - محسوب می‌شد؛ در دعاوی داخلی واسطه می‌شد و مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کرد. کدخدا (خان) فعالیت‌هایش را با متنفذان و اعیان محله، قاضی شهر، امام جمعه، شیخ الاسلام، محتسب و... هماهنگ می‌نمود. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۲)

همچنین لایارد در گزارش خود می‌نویسد: «شوشتر به دوازده محله تقسیم می‌شود که بعضی از آنها تقریباً نیمه ویران و مخروبه‌اند.» (لایارد: ۱۳۶۷: ۷۲) بر پایه گزارش‌های موجود، در میان عمال شوشتر میرزا سلطان علی خان از همه پرنفوذتر بوده است. دویده هنگام اقامتش در شوشتر مهمان او می‌شود و درباره‌اش چنین می‌نویسد: «به منزل سلطان علی خان، بزرگ یکی از خاندان‌های محلی شوشتر و یکی از احناء امامان مقدس محمدی هدایت شدم... میرزا سلطان علی خان نفوذ زیادی میان اعراب بیابانگرد داشت» (دویده، ۱۳۷۱: ۳۳۶ - ۳۳۵) اهل این شهر چون اهالی سایر بلاد منقسم به حیدری و نعمتی بودند. (حسنعلی خان افشار، ۱۳۸۲: ۵۶؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱/۶۹۲)

کشمکش میان عمال محله‌ها از یک‌سو و فشارهای مالیاتی حکمرانان که به دستگیری همین عمال صورت می‌گرفت، از سوی دیگر، عامل‌هایی هستند که بیش از هر چیز دیگر در تصور وضعیت طبقه عامه می‌توانند ما را یاری کنند. لایارد در ادامه گزارشش می‌نویسد: «هرکس بعد از نیمه‌شب از خانه‌اش بیرون می‌آمد به قتل می‌رسید... این عداوت و دشمنی خانوادگی سبب شد که بیش‌تر سکنه خانه‌های خود را ترک نمایند، لذا شوشتر به یک شهر نیمه‌متروکه‌ای مبدل شده بود.» او نیز که شاهد فشارهای مالیاتی و اوضاع پریشان شهرهای آن روز خوزستان بوده است، می‌نویسد: «اهالی این شهر (شوشتر) به شدت در زیر فشار و ستم خوانین محلی و حکام دولتی قرار دارند. غیر ممکن است که بتوانم صحنه‌هایی را که در خلال چند ماه اقامتم در خوزستان دیده‌ام، توصیف کنم. من هر روز شاهد غارت خانه‌ها، آتش‌زدن محصولات و خرمن‌ها و ویرانی روستاها بودم. افراد متنفذ محلی هر روز رعایا را مورد تعدی و شکنجه قرار می‌دادند و به طور کلی آنها را از هستی ساقط می‌کردند. گاهی بازار بسته می‌شد. مردم جرأت ظاهر شدن در کوچه و خیابانها را نداشتند.» (لایارد، ۱۳۶۷: ۲۹۳ و ۷۵) بس روشن است که این گزارش‌ها چنان گویای اوضاع طبقه عامه می‌باشند که ما را از هرگونه توضیح دیگری بی‌نیاز می‌کنند. (حسنعلی خان افشار، ۱۳۸۲: ۵۷؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱/۶۹۳)

موقعیت عناصر شهری / گونه های ساختمانی در رابطه با شبکه بندی شهری

۱- مسجد اصلی شهر (جامع)

مسجد جامع شوشتر

مسجد جامع شوشتر از بناهای اوایل دوره اسلامی است، در این بنا، مناره و ستون های سنگی و کتیبه های متعدد وجود دارد. از طرح ساختمان و سبک معماری و تزئینات گچبری و کتیبه کوفی، بالای محراب مسجد جامع شوشتر، معلوم می شود که ساختمان این بنا، متعلق به قرن سوم هجری است. بر طبق این کتیبه و الواح موجود و تاریخ های متعدد (۹۲۳-۶۸۳-۴۴۷ ه ق) به نظر می رسد که این مسجد در زمان های مختلف، تعمیر و مرمت شده است. در شبستان مسجد جامع شوشتر، منبر چوبی نفیسی وجود دارد که طبق کتیبه، منصور ابوالحارث در تاریخ ۴۴۵ ه ق مسجد اهدا نموده است.

مسجد جامع شوشتر، در طرف شمال دوازده ستون و در سمت جنوب هشت ستون دارد که هر یک پنج متر ارتفاع دارد. (تاج بخش، ۱۳۸۱: ۱۲۷-۱۲۶) در طاق محراب، کتیبه ای کوفی وجود دارد که متأسفانه به مرور زمان ساییده شده است و قابل تشخیص نیست. تمام این کتیبه و یا قسمت اعظم آن باید آیات قرآنی باشد اما در حال حاضر حتی آیات آن را نمی توان مشخص کرد. در سینه محراب مسجد جامع شوشتر آیه ۱۴۴ سوره البقره به خط ثلث نوشته شده است. در اطراف محراب سوره یاسین به خط کوفی گچبری شده است و قسمت اعظم آن از بین رفته است. به غیر از این کتیبه ها تعدادی کتیبه بر روی چند سنگ بر روی دیوار دو طرف محراب قرار دارد این کتیبه ها به دوره صفویه تعلق دارند و به خط نستعلیق نوشته شده اند متن این کتیبه ها در ارتباط با وقف خانه یا باغ و... به مسجد جامع شوشتر و یا اشعار دلنشین فارسی است یکی از این کتیبه ها دارای تاریخ ماه ربیع الاول سال ۱۰۳۳ ه ق است در کتیبه ای دیگر نام شاه عباس صفوی نوشته شده است کتیبه دیگر دارای تاریخ ۹۶۳ ه ق است و نام شاه طهماسب صفوی در آن نوشته شده است. (قوچانی،

۱۳۸۲: ۱۸)

«تصویر شماره ۸ : مسجد جامع شوشتر»



قدیمی ترین کتیبه مسجد (که احتمالاً متعلق به مسجد نیست و از جایی دیگر به مسجد منتقل شده است) یک کتیبه چوبی متعلق به سال ۴۴۵ ه.ق است مضمون آن بخشودگی مالیات دامها «گاو و گوسفند» در منطقه شوشتر است:

بسم ... الرحمن الرحيم امر الاجل السيد المظفر المنصور ابوالحارث ارسلان/ البساسیری ادام الله علوه ازاله رسم صدقه البقر و الاغنام بقصبه/ تستر و اسقاطه عن كافه الرعيه تقر با الی الله تعالی و طلبا لمرتضاته/ فمن اعاده من بعد ما سمعد فعليه لعنه الله و لعنه الاعداء؟...

این کتیبه توسط ابوالحارث ارسلان البساسیری ایجاد شده است. البساسیری، در تواریخ قرن پنجم هجری بسیار مشهور است. وی بر علیه عباسیان قیام کرد و خلیفه عباسی را از بغداد بیرون کرد و قسمت اعظم جنوب ایران و عراق عرب در کنترل او بوده است تا این که سلطان طغرل سلجوقی به جنگ او رفت و او را شکست داد.

به غیر از کتیبه ذکر شده، چند کتیبه گچبری شده و به خط کوفی، در اطراف محراب و خود محراب وجود دارد. در قسمت بالای محراب (مسجد جامع شوشتر) و در ارتفاع زیاد، کتیبه‌ای با ذکر نام خلیفه عباسی دیده می‌شود که متاسفانه قسمت اعظم آن یا از بین رفته و یا اینکه قسمتی از آن در زیر «گچ کاری» جدید قرار گرفته است. نام خلیفه عباسی نیز از بین رفته و معلوم نیست در زمان کدام یک از خلفای عباسی این کتیبه ایجاد شده است. البته متون تاریخی به قرن چهارم هجری اشاره دارند اما سبک این خط کوفی بیشتر به اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم مطابقت دارد. آنچه از متن به جامانده است، شامل آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره مبارکه التوبه است. قسمت‌های به

جا مانده از کتیبه عبارتند از:.... بالمومنین.../ العرش العظیم المومنین اطال الله بقاه. (قوچانی ، ۱۳۸۲ : ۲۰)

۲- مسجد خطبه

۳- مساجد محلی

علاوه بر مسجد اصلی شهر، دیگر مساجد خطبه نیز عمدتاً به دلیل پاسخگویی به نیاز به رشد جمعیت به وجود آمدند.

الف) مسجد عبدالله بانو (عبونو)

از مساجد قدیمی شوشتر است که در محله عبونو (عبدالله بانو) قرار دارد. این مسجد ساخته حاج رضا پسر حاج عنایت‌الله گرگری است. مرحوم آقا سید عبدالله در فصل نوزدهم تذکره می نویسد: « از معاریف کدخدایان حاج زمان و حاج رضا ابنی حاجی عنایت‌الله سابق‌الذکر مسجد عبدالله بانو از آثار ایشان است.» او نسبت بنای مسجد عبدالله بانو را به هر دو برادر حاج رضا و حاج زمان داده. ولی از لوحه سنگی که در اطاق مسجد نصب است، نسبت بنای مسجد را به حاج رضا تنها داده است. اینک شعار مذکور که بر سنگ نوشته شده از گفته حاج محمد متخلص به زایر متوفی در سال ۱۱۲۶ ه.ق عیناً درج می‌شود:

در زمان شاه دین سلطان حسین	خسرو ایران شه مالک رقاب
حاجی نیکو سیر، حاجی رضا	آن که خوبی شد از او عزت مآب
آن که در راه خدا همچون اذان	شد بلند از وی بناهای ثواب
شد موفق در بنای مسجدی	کز شرف زو کعبه آمد انتخاب (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۴۰)؛
شرف الدین، بی تا: ۴۰)	

۴) مدرسه

۱- مدرسه (بخشی از مسجد) شیخ علی

شیخ علی از مشایخ اشکفتی و از بزرگان علمای زمان خود در شوشتر بود. مسجد و مدرسه و کتابخانه و مقبره قریب به منزل خود در اواخر دولت صفویه بنا نمود. این مدرسه مدت‌ها دایر بود و پس از فوت آخرین عالم این خانواده تا در سال ۱۳۳۴ ه.ش تعطیل شد. زمان احداث خیابان عرضی، داخل در خیابان و برداشته شد و جزء خیابان گردید. مسجد و مدرسه موقوفاتی داشته‌اند که معلوم نیست، چطور شده‌اند. (شرف الدین، بی تا: ۵۰) از جمله خانواده های مشهور به فقاقت در محله اشکفتی شوشتر، خانواده عالم زاده بودند که تا اوایل انقلاب اسلامی در این شهر حضور داشته اند و امروزه در محله اشکفتی حضور ندارند.

۵) زاویه

۶) مقبره (آرامستان، قبرستان)

۷- سوق (بازار): بازار به وسیله گنبدهای آجری که در نقطه اوج آن روزنه ای برای عبور نور و تهویه تعبیه شده، مسقف گردیده بود.

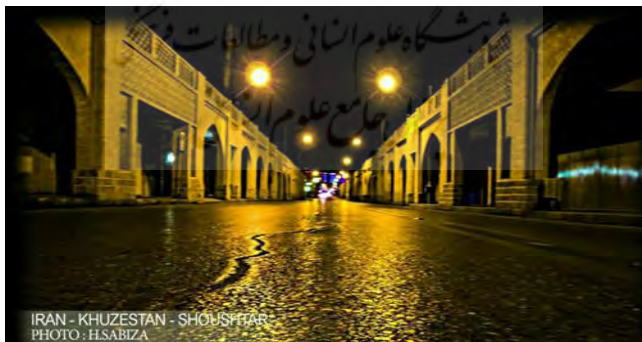
انواع بازارها در شهرهای اسلامی - عربی

الف) بازار اصلی. ب) بازار خطی پیوسته یا نیمه پیوسته: (در معابر اصلی شهر وجود داشته است. ج) بازارهای مجاور دروازه های اصلی شهر د) بازارهای هفتگی یا فصلی و) سویقه (بازار کوچک) (حکیم، ۱۳۸۰: ۲۰۰ و ۱۸۸)

بازار قیصریه شوشتر

مهدی قلی خان شاملو شش سال در میان سال های ۱۰۰۲ تا ۱۰۰۸ ه.ق حاکمیت شوشتر را بر عهده داشت. از جمله کارهای او، ساخت روستای مهدی آباد در نزدیکی شوشتر بود. همچنین مقام امامزاده عبدالله و مقام براءبن مالک انصاری را در شوشتر مرمت و تعمیر نمود. و مسجد، حمام زنانه و دکان رنگ خانه را (هر سه بنا در کنار هم بودند) در نزدیکی سید محمد بازار وقف نمود. طرح بازار شوشتر به شکل جدید و ساختن مغازه های نو از کارهای دیگر او بود. (بازار شوشتر به نام قیصریه از دوره شاه عباس اول تا دوره پهلوی وجود داشته است که به دلایلی توسط شهرداری شوشتر تخریب شد و خیابان های شوشتر کمی گسترش پیدا کرد.) همچنین مهدی قلی خان شاملو، کاهریزی احداث نمود که از بند میزان (ماهپارگان، مافاریون) به انتهای بازار وصل می شد. اما در دوره واخوشتی خان (۱۰۷۸-۱۰۴۲ ه.ق) در ماجرای ورود مار بزرگ، این کاهریز مسدود شد. (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

«تصویر شماره ۹: بازار شوشتر»



این بازار که قیصریه نامیده می شد، در سال های ۱۳۲۹ ه.ش. توسط شهرداری شوشتر تخریب شد. همچون قلعه سلاسل، در سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۷-۱۳۵۷ ه.ش زلزله و سیلاب بخش های زیادی تخریب کرد، در سال های جنگ تحمیلی آسیب های فراوانی دید به طوری که رونق گذشته خود را، از دست داده است.

دباغ خانه ها معمولا در حاشیه شهر قرار می گرفت بیشتر دباغ خانه ها در مجاورت باروی شهر قرار می گرفت. بام خانه ها به طور مستمر مورد استفاده قرار می گرفت بنابراین می بایست به وسیله جان پناه یا دیوارک هایی به منظور جلوگیری از اشراف بر حریم خصوصی همسایگان محصور گردند. (حکیم، ۱۳۸۰: ۵۴)

ساختار جمعیتی عشایر و ایلات ایران

عشایر به گروه هایی از ساکنان کشور گفته می شود که عمده معاش خود را از طریق گله داری و چوپانی می گذرانند و با جایگزینی در بندای کوه ها و بهره جویی از مراتع طبیعی، بخشی از زمین را که به کار کشاورزی کمتر می آید در اختیار می گیرند.

ساختار

- (۱) خانواده هسته اصلی نظام عشایری و ایلی محسوب می شود.
- (۲) از گسترش عرضی و طولی خانواده، دودمان و تیره پدید می آید.
- (۳) تعدد تیره ها، طایف را به وجود می آورد.
- (۴) کثرت طوایف، ایل را می سازد.
- (۵) افزونی ایل ها، موجودیت اساسی اقوام و عشایر یک منطقه بزرگ را رقم می زند. (شعبانی، ۱۳۹۵: ۵۹-۶۱)

شیوه های زمین داری قبایل و ایلات

امرای بزرگ به واسطه قدرت نظامی و نزدیکی به فرمانروا، از زمین داران بزرگ نیز به شمار می رفتند، زیرا سلطان به تبع سیاست طایفه ای، مناطق حاصلخیز قلمروش را به عنوان «چراگاه» یا «قطاع» و «سیورغال» به امرای اعظم و روسای قبایل واگذار می کرد. هر چند استفاده از این نوع املاک متعلق به همه افراد ایل و طایفه بوده است.

ترکیب دو عامل تقویت کننده قدرت سیاسی یعنی قدرت اقتصادی و قدرت نظامی در دست امرای اعظم، به تشدید تمایلات گریز از مرکز و خودمختارانه آنها دامن می زد. روستای قبایل به دلیل تامین نیروی نظامی فرمانروایان، مانع بزرگی در راه اجرای اصلاحات فرمانروایان به شمار می رفتند. هر گونه اصلاحی باید منافع گروهی و قبیله ای آنان را تامین می کرد، در غیر این صورت با مقاومت و مخالف رو به رو می شدند. (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۳)

از مهمترین طوایف افشار که در شوشتر حضور دارند، طایفه گندزلو هستند که بخش های از این طایفه در محله بلیتی شوشتر اقامت دارند و به زبان شوشتری صحبت می کنند و بخش دیگری از این طایفه، در روستاهای اطراف شوشتر، ساکن هستند و به زبان بختیاری صحبت می کنند. تیره های ایل افشار، شامل، کنگرلو (کنکرلو)، قرارکوزلو (قراگوزلو)، قاسملو، قرخلو، فره نی، احمدلو، بکشلو، ایرلو، ارشلو، کندوزلو (گندزلو)، حسین بی سفره چی از امرای افشار در دوره شاه اسماعیل اول بود. تیره های دیگر افشار، اعلی قزلو ارشلو، حاجی لو، قزلو، قراحمزه لو، قرقلو، احمدلو. در شوشتر

تیره های قرار کوزلو (قراگوزلو)، کندوزلو (گندزلو)، از ایل افشار حضور داشته اند (هروی، ۱۳۸۳: ۱۳۳؛ سیستانی، ۱۳۸۳: ۲۱۲)

خصوصیات حیات شهری

۱) نخستین امر مشهود در حیات شهری وجود جوامع ثابت و پایدار و منسجم انسانی است که غالباً در ورای مرزهای معین و محدود مناسبات خونی و قبیله ای شکل گرفته و جدای از اخلاق سنتی، که برخاسته از ارتباطات خانوادگی و دودمانی افراد است.

۲) پیدایش صنف ها و به تبع آن، تبیین مقررات مربوط به تقسیم کار و ایجاد تخصص ها و تضمین تعداها و حقوق روشن

۳) پیدایش قوانین و قواعد ثابت و طبعاً حیات های قانون گذاری که در هر یک از زمینه های اجتماعی، وظیفه انشای مقررات را بر عهده می گیرند.

۴) شکل گیری نظامات حکومتی جامعی که جهت بقا و ثبات خود به مملکتداری و صنایع بازرگانی و فعالیت های دیگر اقتصادی و سیاسی روی می نهد. (شعبانی، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۴)

اصناف (صنف های پیشه وران) موظف به انجام بیگاری و همچنین پرداخت مالیاتی به نام بُنچه بودند؛ و تقسیم بُنچه بین اعضای صنف از وظایف کلانتر بود.

اگر چه راه ها در سراسر ایران کیفیت خوبی نداشت و ارتباط کند بود، شبکه کاروانسراهایی که در کشور و در طول راه های تجارتهی اصلی قرار داشتند حداقل محل امنی برای اجناس و حیوانات باری تجار فراهم می آورد و همچنین امکانات عرضه کالاها و انجام معاملات کوچک را در توقف های شبانه در اختیارشان می نهاد. (سیوری، ۱۳۸۸: ۱۸۰)

تثبیت قدرت گرجیان به عنوان نیروی سوم جایگزین در حکومت محلی شوشتر در عصر

صفوی

نیروی سوم در دوره شاه عباس به تدریج بر اعتبارشان افزوده شد و نفوذ آن ها در حکومت صفوی فقط منحصر به زمان شاه عباس محدود نماند به گونه ای که حضور آن ها در دوره جانشینان شاه عباس نیز مشهود است. بعد از شاه عباس نوه وی، سام میرزا که فرزند پسر ارشد او محمد باقر بود و به نام صفی شناخته می شد جانشین عباس شد. سام میرزا هنگام به تخت نشستن، نام پدرش صفی را بر خود نهاد. در دوره شاه صفی خاندان با نفوذ گرجی، امامقلی خان و فرزندانش به قتل رسیدند. امامقلی خان فرزند سپهسالار شاه عباس، الله وردی خان بود. این اقدام شاه صفی نشان دهنده نفوذ بسیار گرجی ها به خصوص خاندان امامقلی خان در دوره صفوی بود که شاه صفی مجبور شد دستور قتل آن ها را صادر نماید. (سیوری، ۱۳۸۸: ۲۲۸) در دوره شاه صفی به قدری نیروهای گرجی نفوذ پیدا کرده بود که حضور این نیروها شهرهای خوزستان از جمله شوشتر محسوس است.

ساختار طبقاتی جامعه روستایی ایران

روستاهای ایران را به طور کلی از نظر مالکیت زمین به دو قشر متمایز از هم کشاورزان (دهقانان) با زمین و خوش نشینان (دهقانان) بی زمین تقسیم می کنند. هر کدام از این دو قشر اجتماعی روستانشین خود به گروه های کوچک تری تقسیم می شوند.

الف) کشاورزان: (۱) کشاورزان مرفه (۲) کشاورزان متوسط (۳) کشاورزان خرده پا

ب) خوش نشینان: (۱) سوادگران روستایی (۲) کارگران روستایی (مسیحی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۱)

شوشتر در دوره صفوی، عصر زرینی را سپری نمود. زیرا حاکمان محلی که منصوب می شدند به رونق و پیشرفت شوشتر توجه داشتند. این شهر در دوره صفوی، دقیقاً ساختارش همانند ساختار پایتخت صفویان بود اما در ابعاد کوچک تر ترسیم می شد. پل هایی همچون پل خواجه شاه علی و پل گرگر، بندهایی همچون بند میزان و بند شادروان و بند ماهی بازان، مرمت و بازسازی شد، روستاهای جدیدی همچون مهدی آباد، نجف آباد، شاه آباد، فتح آباد، دولت آباد، علی آباد، خلف آباد ساخته شد، مساجد، مدارس و کتابخانه های جدیدی بنا شد، باغ های، همچون باغ خواجه، باغ شاه، باغ خان عقیلی، باغ میر سیدعلی مرعشی احداث شد و در این دوره، بسیاری از آرامگاه های بزرگان شوشتر همچون براء بن مالک انصاری و امامزاده عبدالله تعمیر و مرمت گردید.

در دوره شاه صفی، با ورود خاندان گرجی واخوستی خان، قدرت سیاسی شوشتر حدود صد و دو سال (۱۰۴۲-۱۱۴۴ ه.ق) در اختیار این خاندان گرجی قرار گرفت. در دوره واخوستی خان (۱۰۷۸-۱۰۴۲) و فتحعلی خان (۱۱۰۶-۱۰۷۸ ه.ق)، شاعران زیادی در سایه حمایت های این خاندان گرجی، پرورش یافتند. در زمینه مذهبی، خاندان مرعشی، تأثیرات ژرفی را بر شوشتر گذاشتند زیرا با اقدامات خود، باعث تحول مذهبی در شوشتر شدند و شوشتریان، از سنت به تشیع گرویدند. این تحول پیش از آمدن شاه اسماعیل اول به شوشتر اتفاق افتاده است.

نتیجه گیری

شوشتر در دوران اسلامی جایگاه ویژه ای در میان شهرهای خوزستان داشته است و موقعیت این شهر از پادگانی نظامی در دوره اشکانی و ساسانی به شهری بازاریگاهی تولیدی تغییر یافت. عواملی که در توسعه شهری شوشتر در دوره اسلامی نقش داشتند عبارتند از:

الف- وجود قلعه مستحکم سلاسل: به خاطر موقعیت نظامی و جغرافیایی شوشتر، همواره به عنوان سد دفاعی صفویان در برابر کانون های گریز از مرکز مشعشعیان در جنوب و رعناشیان در شمال خوزستان و همچنین خوانین بختیاری محسوب می شد.

ب- احداث بازار قیصریه: مهدی قلی خان شاملو شش سال در میان سال های ۱۰۰۲ تا ۱۰۰۸ ه.ق حاکمیت شوشتر را بر عهده داشت. از جمله کارهای او، ساخت روستای مهدی آباد در نزدیکی و احداث بازار قیصریه شوشتر بود.

ج- امنیت و مدیریت شهری: در حکومت طولانی واخوستی خان و فتحعلی خان گرجی در شوشتر اوج مدیریت شهری و توسعه روستایی را شاهد هستیم. هر چند حاکمان دیگر خاندان گرجی هم کم و بیش سعی

داشتند الگوی مدیریتی واخوستی خان و فتحعلی خان گرجی را دنبال کنند. خاندان سادات مرعشی هم در زمانی که حاکم شوشتر بودند از مدیریت لازم برخوردار بودند و نظم و امنیت را در شوشتر ایجاد می کردند. خاندان سادات مرعشی در چند نوبت در دوره صفویه و دوره قاجاریه حاکم شوشتر بودند.

از جمله عواملی که باعث افول و پسرفت شوشتر شده اند. عبارتند از:

۱- **اوضاع نامناسب بهداشتی (شیوع بیماری های واگیردار):** در گذشته که شهرداری وجود نداشت کوچه ها جاروب نمی شدند و همواره از خاک و آشغال انباشته بود در زمستان با ریزش باران کوچه ها به شدت گل آلود می شد. شهر شوشتر کشتارگاه نداشت، قصاب ها در خانه های خود یا کنار کوچه کشتار می کردند، خون و ضایعات حیوانات ذبح شده در کوچه ها رها می شد. اموات را در قبرستان های سطح شهر که تعداد آن ها بیشتر از خارج شهر بود دفن می کردند.

۲- **ناامنی و درگیری های داخلی بین طوایف و خاندان های محلی:** اگر حضور اعراب آل مشعشع و آل کثیر و همچنین حضور بختیاری ها در شوشتر را در دوره صفوی در نظر بیاوریم و همچنین مهاجران از دزفول خصوصا خاندان کلانتر را به شمار آوریم متوجه می شویم تنش های قومی و جمعیتی میان ترکان قزلباش (افشارها، روملوهها، شاملوها، استاجلوهها، ذوالقدر)، چرکس ها، گرجی ها، سادات (مرعشی، جزایری، تلغری، کلانتری)، اعراب آل مشعشع و آل کثیر و جماعت بختیاری، چه فراز و فرودهایی را در شوشتر عهد صفویه به وجود آورده اند. شوشتر در دوره افشاریه و زندیه، تنش ها و آشوب های فراوانی را تجربه کرد. برخی از این تنش ها، درون شهری و برخی برون شهری و منطقه ای و فرامنطقه ای بودند. خاندان های گرجی واخوستی خان، گرجین بیگ و ایلدرم چرکس از سال ۱۱۳۵ تا ۱۱۶۹ ه.ق نبردهای مختلفی بر سر حاکمیت شوشتر با یکدیگر داشتند. تنش های برون شهری میان شهرهای شوشتر و دزفول و هویزه در این دوره بسیار اتفاق افتاد. اعراب آل کثیر، آل مشعشع، در دوره هایی قدرت سیاسی شوشتر را در اختیار گرفتند. اختلافات میان مشایخ آل کثیر، آل مشعشع و آل کعب چندین بار به اختلافات درون شهری میان محلات شوشتر، از جمله محله حیدرخانه (گرگر) به ریاست خاندان مرعشی و محله نعمت خانه (موگهی) به ریاست خاندان کلانتر انجامید.

منابع

- ابن خردادبه، ابو القاسم عبید الله بن عبد الله ابن خردادبه، (۱۳۷۰). المسالك و الممالک، ترجمه سعید خاگرد، تهران: بی نا.
- ابن عبد ربّه، (بی تا). العقد الفرید، بیروت، بی نا.
- ادیسی آریمی، مهری، (۱۳۹۴). فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه، تهران: پیام نور.
- اسدپور، حمید، (۱۳۹۳). تاریخ شبانکاره (پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی شبانکاره بوشهر)، بوشهر: دانشگاه خلیج فارس.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری، تهران: دنیای کتاب.
- افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۷۳). خوزستان و تمدن دیرینه آن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- افشار یزدی، ایرج، (۱۳۸۰). دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- افشار، حسنعلی خان، (۱۳۸۲). سفرنامه لرستان و خوزستان، تصحیح حمید رضا دالوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امام شوشتری، محمدعلی، (۱۳۳۱). تاریخ جغرافیای خوزستان، تهران: امیرکبیر.
- امام (اهوازی)، محمد علی، (۱۳۷۹). تاریخ خوزستان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امانی، مهدی، (۱۳۹۵) مبانی جمعیت شناسی، تهران: سمت.
- انصاری، مصطفی، (۱۳۸۴). تاریخ خوزستان (دوره خاندان کعب و شیخ خزعل)، ترجمه محمد جواهر کلام، تهران: نشر شادگان.
- آبراهامیان، پروانده (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی و دیگران، تهران: نشر نی. ابن بطوطه، شمس الدین، (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه، محمد علی موحد، تهران: ترجمه آگه.
- آبراهامیان، پروانده، (۱۳۸۷). تاریخ ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: نشر مرکز.
- بایلاس، ریچارد، (۱۳۷۱). نظریه اقتصاد خرد، ترجمه حسین راغر، تهران: نشرنی
- برزگر، کریم، (۱۳۹۳). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران: پیام نور.
- البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۷هـ.ق). انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر.
- بلک، جرمی؛ رایلد، مک (۱۳۹۲). مطالعه تاریخ، ترجمه محمد تقی ایمان پور، مشهد: دانشگاه مشهد.

- تاج بخش، احمد، (۱۳۸۱). تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز: نوید.
- جزایری شوشتری، سیدعبدالله، (۱۳۸۸). تذکره شوشتر، مقدمه و تصحیح مهدی کدخدایی طراحي، اهواز: ترآوا.
- جزایری، سید محمد، (۱۳۷۶). نابغه فقه و حدیث سید نعمت الله جزایری، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- جزایری، محمد (۱۳۶۴). خاندان شیخ شوشتری، تهران: کیهان فرهنگی، س ۲، ش ۱.
- حسن زاده، اسماعیل، (۱۳۸۸). حکومت ترکمانان (قراقویونلو و آق قویونلو) در ایران، تهران: سمت.
- حکیم، بسیم سلیم، (۱۳۸۰). شهرهای عربی- اسلامی اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمد حسین ملک احمدی، عارف اقوامی مقدم، تهران: وزارت ارشاد.
- حموی یاقوت، (۱۳۸۳). معجم البلدان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- دمشقی انصاری، شمس الدین محمد بن ابی طالب، (۱۳۸۲). نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر، تهران، اساطیر.
- دُوبد، کلمنت (۱۳۷۱). سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دیولافوا، (بی تا). سفرنامه دیولافوا، ترجمه بهرام فره وشی، تهران: خیام،
- روزنتال، فرانسیس (۱۳۶۵). تاریخ تاریخنگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رهبر، مهدی، (۱۳۷۳). کاوش آثار الیمائی گِلالک شوشتر، تهران: میراث فرهنگی، ش ۱۲.
- رهبرین، (۱۳۴۹). نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاوس جهاندار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶). تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر.
- سرفراز ، علی اکبر، (۱۳۴۸). «شهر تاریخی دستووا در شوشتر» تهران: باستان شناسی و هنر ایران، ش ۴، پاییز و زمستان.
- سیوری، راجر، (۱۳۸۸). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز .
- سیستانی، ملک شاه حسین محمود (۱۳۸۳). احیاء الموک، تاریخ سیستان تا عصر صفوی، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.
- شاریه، ژان برنار ، (۱۳۷۳). شهرها و روستاها، ترجمه سیروس سهامی، تهران: نیکا.
- شعبانی ، رضا (۱۳۹۵). مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران: قومس.

- شعبانی، رضا، (۱۳۸۹). تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، تهران: سمت.
- شکویی، حسین (۱۳۹۱). شناخت و فلسفه جغرافیا، تهران: پیام نور.
- شوشتری مرعشی الحسینی، علاء الملک، (۱۳۵۲). فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، مقدمه و تصحیح و تعلیق، میر جلال الدین ارموی محدث، تهران: بهمن.
- شوشتری، میر عبداللطیف خان، (۱۳۶۳). تحفه العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران: طهوری.
- شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۹۱). مجالس المؤمنین، تهران: اسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه میر هاشم محدث، تهران: امیر کبیر.
- قوچانی، عبدالله، (۱۳۸۲). کتیبه‌های مسجد جامع و امامزاده عبدالله شوشتر، تهران: پژوهشکده زبان و گویش.
- کسروی، احمد (۱۳۸۹). تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران: دنیای کتاب.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیر کبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۵۶). مشعشعیان، تهران: سحر.
- کرزن، جورج، (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کروسینسکی، (۱۳۶۹). ده سفرنامه، ترجمه مهرباب امیری، تهران: وحید.
- کسروی، احمد، (بی تا). ده سال در عدلیه، تهران: بی نا.
- مرعشی، علی اکبر، (۱۳۶۵). شجره خاندان مرعشی، تهران: بی نا.
- مسیحی، مهدی و دیگران، (۱۳۹۴). مقایسه ساختار اجتماعی روستا و شهر در ایران دوره پهلوی و جمهوری اسلامی، تهران: دانشگاه خوارزمی، تاریخنامه، س ۳، ش ۱۰.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ (البداء و التاریخ)، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- ملایری، محمد مهدی (۱۳۷۹). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران: توس.
- موسوی جهرمی، یگانه، (۱۳۸۹). توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران: پیام نور.
- المهلبی، الحسن بن احمد، (بی تا). المسالک و الممالک، بی جا: بی نا.

- مؤلف ناشناس، (۱۴۲۳ ه.ق). حدود العالم من المشرق الى المغرب، القاهر، الدارالثقافیه للنشر.
- ناشناس، (۱۳۸۸). سفرنامه های خطی فارسی، تهران: نشر اختران .
- نجفی وطن خواه، مصطفی (۱۳۸۰). موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران، تهران: وزارت ارشاد.
- نظام السلطنه مافی، (۱۳۶۲). خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، تصحیح معصومه مافی، تهران: نشر تاریخ ایران .
- نیرومند، محمد باقر (۱۳۸۴). یادى از شوشتر، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،
- نیرومند، محمد باقر، (۱۳۵۵). واژه نامه‌ای از گویش شوشتری، تهران: وزارت فرهنگ و هنر،
- واله قزوینی، محمد یوسف (۱۳۷۲). خلد برین، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف، (۱۳۸۲). ایران در زمان شاه‌صفی و شاه عباس دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وبر، ماکس، (۱۳۹۰). شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: انتشار.
- وحید قزوینی میرزا محمد طاهر، (۱۳۸۳). تاریخ جهان‌آرای عباسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۵۸). مکاتبات رشیدی، تهران: بی نا.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله، (۱۳۸۸). جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن، تهران: میراث.
- یعقوبی، احمد بن ابی اسحاق (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶). البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.